

کمیابی مطلق و کمیابی نسبی در اقتصاد اسلامی و متعارف:**بازخوانی مفهوم**

علیرضا لشکری*

DOI: 10.22096/esp.2022.539817.1575

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۲۸ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۲۲]

چکیده

پرداختن به بررسی برخی مفاهیم نه از آن رو که وضوح معنای آن به شناختن بهتر ادبیات موضوع و پیگیری آن در بینش اقتصاد اسلامی مدد می‌رساند، بلکه گاه از آن حیث که تأثیری تعیین‌کننده بر ساختار و ترتیبات یک نظام دارد مفید و لازم است. کمیابی مفاهیم ساختار ساز در نظام‌های اجتماعی و اقتصادی است و کنکاش درباره آن می‌تواند موقعیت اندیشه اسلامی را در مصاف با مکاتب اقتصادی دیگر توضیح دهد و بر ساختار متناسب با نظام اقتصادی اسلام مؤثر باشد. در این مقاله ضمن بررسی مفهوم کمیابی در دانش اقتصاد تبیینی از معنای آن در اقتصاد اسلامی ارائه و بر تفاوت مفهوم این واژه در دو دیدگاه تأکید می‌شود. روش تحقیق این مطالعه در مرحله گردآوری کتابخانه‌ای و در مقام ارزیابی تحلیل محتوا است. مقاله نتیجه می‌گیرد در اقتصاد اسلامی کمیابی مطلق مردود و کمیابی نسبی به مفهومی کاملاً متفاوت با این مفهوم در اقتصاد متعارف وجود دارد.

واژگان کلیدی: کمیابی مطلق؛ کمیابی نسبی؛ خواسته؛ نیاز؛ رفاه؛ منابع.**طبقه‌بندی موضوعی:** A13, D91, I31, P52.

* استادیار، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران.

Email: alilashkari@rihu.ac.ir



۱. مقدمه

کمبود، مفهومی است که تقریباً در طول زندگی انسان، همراه او بوده و به او انگیزه کار و تلاش بیشتر داده است؛ اما این مفهوم در دوره اخیر و همراه با رشد جمعیت و تغییر نگرش به جهان در چهارچوب نظریه‌های علوم انسانی و در جایگاه برنامه‌ریزی در جامعه پدیدار شد. این نقش اخیر غالباً با نظریات مالتوس شناسایی می‌شود، اما چنانکه مورد توجه قرار خواهد گرفت، به مرور و به اقتضای تحولات اقتصادی دچار تغییر مفهومی شد و از طریق مفهوم کارایی به عنصری اساسی در اقتصاد تبدیل شده است. مبنای ایده کارایی، مفهوم مرکزی کمیابی، کمبود منابع نسبت به نیازها و خواسته‌های بی‌شمار انسان‌هاست. این ایده مدعی است که نیازهای نامتناهی انسان را نمی‌توان با استفاده از منابع و امکانات محدود موجود پاسخ گفت و در نتیجه باید به کسب بیشترین سطح از مطلوبیت بسنده نمود.

کمیابی را بهتر است در معنایی که رالز به کار می‌گیرد استفاده کرد. رالز شرایطی را کمیابی متوسط (Scarcity Moderate) نامیده است که در آن نه آنچنان وفور منابع هست که انسان‌ها از تشریک مساعی بی‌نیاز باشند و نه آنچنان منابع نایاب‌اند که همکاری آنان بی‌فایده باشد.^۱ در چنین حالتی ممکن است تعارض در منافع در استفاده از منابع پیش آید و استفاده از منابع برای تأمین منافع عده‌ای از مردم به هزینه محرومیت عده‌ای دیگر صورت گیرد. در این صورت، مسئله این خواهد بود که چگونه می‌توان تعارض را به گونه‌ای مدیریت کرد که بیشترین موفقیت از تشریک مساعی حاصل شود. در این راستا پرسشی که می‌تواند اساس کار قرار گیرد به دو صورت قابل طرح است:

اول: از آنجا که منابع ناکافی‌اند، در هر حال تعارض رخ خواهد داد و بخشی از نیازهای انسان‌ها تأمین نمی‌گردد. در این صورت تخصیص بهینه منابع باید چگونه باشد تا به بهترین شیوه تأمین نیازها صورت گیرد؟

دوم: آیا می‌توان منابع را به گونه‌ای تخصیص داد که نیازهای انسان‌ها را تأمین کرده و به گونه‌ای تعارض را حل نمود؟

ملاحظه می‌شود که در پرسش دوم ضمن پذیرش تعارض در صورت‌هایی از تخصیص منابع، هنوز در جست‌وجوی شرایطی است که رفع تعارض را ممکن می‌سازد. این پرسشی است که در اقتصاد اسلامی می‌تواند مطرح و بررسی شود.

1. John Rawls, *A Theory of Justice* (Cambridge: Cambridge University Press, 1971), 22.

اما در سؤال نخست با فرض اینکه در هر حال منابع ناکافی است، تمرکز بر بررسی بهترین شیوه‌های تأمین نیازهای نامحدود است. در اقتصاد متعارف پرسش نخست، مطرح و مورد توجه است. چنانکه ساموئلسون و نوردهاوس می‌گویند اگر به تعاریف اقتصاد فکر کنیم، دو ایده کلیدی پیدا می‌کنیم که در تمام علم اقتصاد جریان دارند: اینکه کالاها کمیاب هستند و اینکه جامعه باید از منابع خود کارا استفاده کند.^۲ استفاده بهینه از منابع برای اقتصاددانانی که رفاه را از درجه مطلوبیت ببینند به معنای استفاده منابع برای بیشینه کردن مطلوبیت معنا می‌شود. تخصیص بهینه منابع، تعریفی از اقتصاد است که کمیابی منابع را به پیشینه‌سازی مطلوبیت پیوند می‌زند. ویلفرد پارتو (Vilfredo Pareto) نخستین نظریه‌پرداز بود که معیاری برای نشان دادن موقعیت حداکثرسازی مطلوبیت ارائه کرد. امروزه قرائت پارتو از کارایی، از گسترده‌ترین مقبولیت در میان اقتصاددانان برخوردار است.^۳ اکنون از منظر اقتصاد متعارف، بهترین انتخاب در تخصیص منابع موجود از طریق کارایی صورت می‌گیرد. این امر به تولید بیشترین کالاها و خدمات و بالمآل تولید کیک بزرگ‌تری برای مصرف می‌انجامد. بر این اساس مفهوم کمیابی از طریق کارایی بر تعیین ساختارهای مطلوب در حوزه اقتصاد و جامعه تأثیر داشته و مطالعه و بررسی نگرش اسلامی در این مورد را ضروری می‌سازد، اما پیش از آن شایسته است مفهوم کمیابی به اختصار در دو معنای کمیابی مطلق و کمیابی نسبی توضیح داده شوند.

۲. کمیابی مطلق (Absolute scarcity)

از نظر مالتوس که در آستانه قرن نوزدهم و رشد جمعیت شهرنشین می‌زیست، مهم‌ترین مسئله اقتصاد سیاسی، نیروی رشد جمعیت بود. مالتوس با این استدلال که نرخ رشد جمعیت بیشتر از پیشرفت در تولید محصولات کشاورزی است و پیشرفت اجتماعی را در معرض تهدید قرار می‌دهد، هشدار خود در مورد پیش‌بینی قحطی در آینده و مواجهه نسل بعدی با بحران معیشتی را با صراحت اعلام کرد. نگرش مالتوس به کمیابی از دیدگاه بیوفیزیکی بود؛ نیروی رشد انفجاری تولید مثل در انسان، محدودیت‌های فیزیکی رشد اقتصادی و برابری اجتماعی را به چالش می‌کشد. این نوع نگرش به کمیابی، کمیابی مطلق شناخته شده است.

علیرغم اینکه پیش‌بینی مالتوس از قحطی انگلیس درست از آب درنیامد، اقتصاد سیاسی مالتوس پس از مرگ او در تئوری تکامل، بوم‌شناسی، اصلاح نژاد و محیط‌زیست از یک

2. Paul A. Samuelson and William D. Nordhaus, *Economics*, 9th edition (New York: McGraw-Hill, 2010), 4.

3. Allen Buchanan, *Ethics, efficiency and the Market* (Oxford: Clarendon Press, 1985), 4.

زندگی طولانی برخوردار بوده است.^۴

کمیابی از نظر مالتوس براساس دو موضوع تعریف می‌شود که نخستین آن نیازهای غذایی است. در این صورت نیاز با یک امر واقعی پیوند می‌خورد. دومین موضوع رضایتی است که از تأمین این نیازها حاصل می‌شود. بنابراین، میان نیازها و رضایتمندی رابطه‌ای برقرار است. این رابطه یا نشان‌دهنده برابری نیازها و منابع تأمین آن است یا افزون‌بودن منابع نسبت به نیازها (وفور) یا کمبود منابع نسبت به نیازها (کمیابی) است.^۵

بدین ترتیب در این رویکرد تمرکز بر استفاده واقعی از منابعی است که کمیاب هستند؛ اما چنانکه خواهیم دید در کمیابی نسبی تمرکز بر جانشینی است. در کمیابی مطلق استفاده از منابعی که کم هستند برای دستیابی به رشد اقتصادی ممکن است منجر به تخلیه بیشتر این منابع شود. در نتیجه درحالی‌که کل نیازهای انسان به‌طور تصاعدی در حال توسعه است، منابع کمیاب به تدریج از بین می‌روند.

کمیابی مطلق به کمیابی منابع به‌طور عمومی، کمبود نهایی ابزارها اشاره دارد. با رشد جمعیت و مصرف سرمایه سرانه، کمیابی مطلق، ما را بیش‌ازپیش به ظرفیت زیست‌کره زمین نزدیک می‌کند. این مفهوم می‌تواند حتی با این فرض تعریف شود که تمام جایگزینی‌های اقتصادی در بین منابع انجام شود [کمبود نسبی است]. گرچه جایگزینی‌ها قطعاً بار کمیابی مطلق را کاهش می‌دهد، نه آن را از بین می‌برد و نه از افزایش نهایی آن جلوگیری می‌کند.^۶

البته به این نکته نیز باید توجه داشت که دیدگاه کمیابی، محدود به منابع معیشتی نیست. به بیانی دیگر، کمیابی ممکن است در بازار و بر اساس عرضه و تقاضای بازاری شکل بگیرد و امکان دارد خارج از روابط بازاری (مثل اقدامات دولت) نیز کمیابی مطلق تحقق پیدا کند.^۷

۳. کمیابی نسبی (Relative scarcity)

عدم تحقق پیش‌بینی مالتوس در مورد کمبود جدی در محصولات کشاورزی که خود ناشی از

4. Jonsson, F.A, *Scarcity in the Modern World: History, Politics, Society and Sustainability, 1800–2075* (Bloombury: Bloombury Academic and the Diana logo are trademarks of Bloombury Publishing Plc, 2019), 3.

5. Adel Daoud, *Robbins versus Malthus' view of scarcity: absolute and relative scarcity* (Gothenburg: Department of Sociology, Gothenburg University, 2009), 3.

6. Herman E. Daly, *Steady Freeman.-State Economics: The Economics of Biophysical Equilibrium and Moral Growth* (San Francisco Calif: Freeman, 1991), 39.

7. Daoud, *Robbins versus Malthus' view of scarcity: absolute and relative scarcity*, 5.

پیشرفت‌های تکنولوژیک و جهش در تولید بود، ایده مالتوس را با تردید مواجه کرد. از سویی کمیابی مطلق متضمن این ایده بود که تضاد منافع میان افراد به تضاد منافع در سطح جامعه منتهی می‌شود. این ایده با آنچه کلاسیک‌ها بر اساس تعادل خودکار دنبال می‌کردند سازگار نبود و بنابراین، به ایده جدیدی که به‌مثابه گذار از تضاد منافع میان افراد در جامعه به تضاد میان منافع خود فرد بود نیاز داشت.

کمیابی نسبی که بر اساس رویکرد رایینز به اقتصاد شناسایی می‌شود، ایده‌ای متناسب با دوران جدید سرمایه‌داری و با استفاده از نگرش جدید در مورد انسان و محوریت فردگرایی مرکز توجه قرار گرفت. در نگرش جدید خواست‌ها و امیال انسان، جایگزین نیاز شد و در نتیجه کمیابی برای تحقق امیال انسان جایگزین کمیابی برای تأمین نیازهای جامعه شد. این انتقال سبب شد که تضاد منافع میان منافع افراد در مورد کمیابی، تبدیل به تضاد منافع فرد در دستیابی به منافع برتر گردد.

۱-۳. کمیابی نسبی و تعریف رایینز از علم اقتصاد

تعریفی که رایینز از اقتصاد ارائه داد در راستای همان تغییر نگرش به انسان و اقتصاد بود؛ «اقتصاد علمی است که رفتار انسان را به‌عنوان رابطه‌ای بین اهداف و وسایل کمیاب که دارای کاربردهای جایگزین هستند، مورد مطالعه قرار می‌دهد».^۸

در این تعریف اگرچه هنوز کمیابی مشکل اصلی است، این کمبود در رابطه به جهان فرد مطرح است، نه جامعه. از همین رو، تعارض میان نیازهای افراد جامعه نیست، بلکه میان نیازهای فرد است. اگر تأمین همه نیازهای فرد به دلیل کمیابی منابع ممکن نیست، فرد می‌تواند با جایگزینی نیازی به جای نیازی دیگر مهم‌ترین نیازهایش را تأمین کند. بنابراین، کمبود، نسبی می‌شود و نکته اساسی فهم آن در واژه «جانشینی» است. اکنون آنچه در کانون توجه است عمل تخصیصی یا توزیعی افراد در صورت کمبود نسبی است.^۹

دیدگاه رایینز در مورد کمیابی را می‌توان در چهار نکته اساسی که درباره وضعیت انسان بیان می‌کند فهمید: اول: وضعیت نهایی (اهداف) متفاوت است. دوم: ما آرزو داریم همه اهداف را محقق کنیم. سوم: زمان و ابزارهای دستیابی به این اهداف محدود است و می‌توان در مورد اهداف، جایگزینی را اعمال کرد. چهارم: با توجه به اینکه اهداف از جهت اهمیت

8. Lionel Robbins, *An Essay on the Nature and Significance of Economic Science*, 3rd edition (London: Macmillan, 1984), 16.

9. Daoud, *Robbins versus Malthus' view of scarcity: absolute and relative scarcity*, 3.

متفاوت‌اند می‌توان آنها را رتبه‌بندی کرد.^{۱۰} بنابراین، انسان‌ها باید دست به انتخاب زده و «اقتصادی» عمل کنند. این اساس پدیده‌های اقتصادی است که علم اقتصاد را وحدت می‌بخشد.

نکته مهم همین استفاده جایگزینی از ابزار برای نیل به هدف است که کمیابی را مقید به نسبی‌بودن کرده است و موضوع «انتخاب» را برجسته می‌سازد. در حقیقت خاصیت جایگزینی و انتخاب است که محدودیت منابع را به پدیده‌ای اقتصادی تبدیل می‌کند. این خصیصه سبب شده برخی نظیر گوردون،^{۱۱} براساس درک ناقص و ناصحیح خود، مسئله انتخاب را حتی به عالم متافیزیک و زندگی پس از مرگ که دنیایی از منابع بیکران است، تسری دهند. این تسری بر این مناسبت که انتخاب در هر لحظه باید صورت بگیرد. در نتیجه، همه اعمال انسانی جنبه اقتصادی دارند، زیرا مشروط به رفتارهای جایگزین یا استفاده جایگزین هستند.^{۱۲}

۲-۳. انسان در نگرش جدید

غرب پس از رویگردانی از اخلاق فضیلت‌مدار برای هماهنگ نمودن تلاش‌های انسان‌ها، نیاز به نظریه‌ای در باب انسان و اجتماع داشت. نگرش جدید در این مورد، ماهیت انسان را به‌مثابه پدیده‌ای محدود به افق طبیعت و بر اساس تحلیل مکانیکی مطالعه می‌کرد.

این نگرش قائل به عینیت طبیعت و انسان بود و انسان هم فاعل شناسایی و هم طبیعت موضوع شناخت دانسته می‌شد. در این صورت، عینی‌کردن طبیعت مستلزم آن بود که طبیعت در مقابل ضمیر انسان قرار بگیرد. در نگرش مکانیستی شناخت طبیعت همان شناخت علل فاعلی پدیده‌هاست و بنابراین علت غایی که مبتنی بر ذهن بوده و قوام‌بخش اخلاق فضیلت‌مدار بود به‌کلی از حوزه شناخت حذف گردید. بدین ترتیب، همراه با عینی‌کردن طبیعت، معنویت و ماوراءالطبیعه حذف شده و اخلاقی که تنها با شناخت علل فاعلی همراه است به رسمیت شناخته شد.^{۱۳} انگیزه‌ها و محرک‌های درونی، چیزی جز تمایلاتی که طبیعت در انسان به ودیعه گذاشته نیست. این تمایلات به‌طور شهودی توسط انسان درک می‌شود و انگیزه‌ای برای فعالیت‌های انسان می‌گردد. نتیجه منطقی این رویکرد این است که نیازهای

10. Robbins, *An Essay on the Nature and Significance of Economic Science*, 12.

11. Scott Gordon, "The Economics of the Afterlife," *The Journal of Political Economy* 88, no. 1 (1980): 213-214.

12. Robbins, *An Essay on the Nature and Significance of Economic Science*, 28.

۱۳. نجف دریابندری، درد بی‌خوابی (تهران: نشر پرواز، ۱۳۶۵)، ۳۳۵.

انسان بی‌شمار خواهند بود؛ زیرا طبیعت حریص و آزمند انسان، مبنای خواسته‌هایش قرار گرفته و طبیعت مزبور با تأمین هر نیاز به دنبال ارضای نیازی جدیدتر خواهد بود.

امروزه فرض اشباع‌ناپذیری انسان در علم اقتصاد نمادی از انسان آزمندی است که جهان مدرن، در بهترین حالت و با به کار گرفتن کاراترین شیوه‌های تولید، وعده رسیدن به بیشترین نیازهایش را داده است، اما در ضمن به او می‌گوید که چون نیازهایش بی‌انتهاست، هیچگاه تمامی نیازهایش تأمین نخواهد شد. انسان ناچار است از میان نیازها و خواسته‌هایش دست به انتخاب بزند و آن دسته از نیازهایی که متضمن بیشترین مطلوبیت برای اوست را برگزیند.

۳-۳. جایگاه مفهوم کمیابی در منظومه فکری اقتصاد متعارف

معمولاً منظومه‌های فکری و پارادایم‌ها (الگوارها) برای پاسخ به مشکلات و مسائل حل‌نشده موجود ارائه می‌شوند. اصطلاح پارادایم نخستین مرتبه توسط «توماس کوهن» در کتاب *ساختار/تغییرات علمی* استفاده شد. مطابق این تعریف، پارادایم عبارت است از «دستاوردهای علمی به صورت عمومی پذیرفته‌شده‌ای که برای مدتی به وسیله کارورزان آن رشته، به عنوان مدلی برای حل مسائل رشته مزبور به کار گرفته می‌شوند».^{۱۴}

پارادایم که خود مرحله‌ای از رشد یک علم است، شامل مجموعه‌ای از قواعد درون یک چهارچوب بوده و نشان می‌دهد که برای فعالیت و کوشش موفقیت‌آمیز در این چهارچوب چگونه باید رفتار نمود و با استفاده از چه شیوه‌هایی مسائل درون این پارادایم را حل نمود.

ویژگی بارز و مهم پارادایم‌ها این است که ضمن ایجاد یک چهارچوب برای نگرش به مسائل و موضوعات مورد نظر، پیش‌فرض‌هایی را نیز تعریف کرده و بدین ترتیب درک حقایق مورد بررسی را تنها در همان چهارچوب ممکن می‌سازد. بدین ترتیب نوآوری و خلاقیت به چهارچوب پارادایم محدود می‌گردد و تفکر و اندیشه خارج از آن، معتبر شناخته نمی‌شود.

اکنون با عنایت به اینکه هر منظومه فکری مسلط، در وهله نخست برای حل مسائل و مشکلات جدیدی که توسط پارادایم‌های قبلی لاینحل و بدون پاسخ مانده‌اند ارائه می‌گردند، می‌توان کمیابی را آنچنانکه اقتصاددانانی نظیر ساموئلسون بیان کرده‌اند به‌مثابه مشکل و مسئله اساسی در اقتصاد متعارف شناسایی کرد.

ساموئلسن می‌نویسد: «ماهیت علم اقتصاد این است که واقعیت کمیابی را بپذیرد و پس از آن بفهمد که چگونه جامعه را به روشی سازماندهی کند که کاراترین استفاده از منابع را

۱۴. جهانگیر معینی، *روش‌شناسی نظریه‌های جدید در سیاست* (تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۵)، ۴۳.

داشته باشد. اینجاست که اقتصاد سهم بی‌نظیر خود را دارد.^{۱۵} بنابراین، پارادایم اقتصاد متعارف با به رسمیت شناختن کمیابی به‌منزله مشکل اصلی در جست‌وجوی پاسخ و راه‌حلی برای آن است.

۳-۴. کارایی و رفاه

کارایی که شیوه‌ای برای حداکثرسازی است، متضمن بهترین استفاده از منابع برای رسیدن به مهم‌ترین نیازها و خواسته‌هایی می‌باشد که بیشترین مطلوبیت را به همراه دارند. در حقیقت این شیوه برای حل مشکل کمیابی ارائه شده است.

کارایی علاوه بر اینکه رسالت علم اقتصاد را بیان می‌کند بیانگر آرمان تمدن جدید بشری نیز هست. چنانکه قبلاً ذکر شد، امروزه «اقتصاد» در تعریف غالب، علم تخصیص بهینه منابع است. در صورتی که بهترین انتخاب در تخصیص منابع موجود صورت پذیرد بیشترین کالا و خدمات تولید خواهد شد. ادعا می‌شود که با کاربرد معیار کارایی از تمامی ظرفیت‌های موجود منابع برای ایجاد مطلوبیت استفاده می‌شود و هیچ عامل تولیدی معطل و بیکار نمی‌ماند. در نتیجه در کارایی استفاده از تمامی منابع مورد تأکید است.

اکنون در حوزه مصرف مطابق نظر پارتو، در مدلی که مطلوبیت دو فرد به تصویر کشیده می‌شود، در صورتی که با تغییر وضعیت، مطلوبیت هر دو فرد بهبود یابد برتری پارتویی (Pareto Superior) و در صورتی که وضعیت یک نفر بهبود پیدا کند، بدون آنکه وضعیت فرد دیگر تغییر کند، کارایی پارتو اتفاق افتاده است. این قضایا اصول پارتویی را تشکیل می‌دهند.^{۱۶} در چنین مدلی جامعه‌ای که بتواند دست‌کم وضع رفاهی یکی از آحاد خود را بهتر سازد مشروط بر آنکه وضع هیچ‌کس بدتر نشود، می‌تواند متصف به جامعه‌ای شود که در جریان بهبود شرایط رفاهی خویش است؛ اما در نهایت جامعه به وضعیتی می‌رسد که فقط با بدترکردن وضعیت آحادی از خود می‌تواند شرایط عده‌ای دیگر را بهبود ببخشد. در این حالت جامعه به وضعیت بهینه رسیده و ایجاد تغییر بیشتر دیگر فاقد توجیه است. از این‌رو، معیار کارایی معیاری برای قضاوت در مورد رفاه اجتماعی هم خواهد بود.^{۱۷}

15. Samuelson and Nordhaus, *Economics*, 4.

16. Buchanan, *Ethics, efficiency and the Market*, 4.

۱۷. در مقابل، جان رالز کوشید بدون آنکه رفاه اجتماعی را به کارایی - پارتویی کاهش دهد، آن را تعریف کند. رالز مقوله و رفاه را از معیار کارایی دور کرده و به حوزه‌های عدالت و اخلاق بازمی‌گرداند. برای رالز جامعه‌ای که توزیع منابع در آن عادلانه باشد وضعیت رفاهی بهتری از جامعه‌ای دارد که منابع به شکل ناعادلانه توزیع می‌شود و توزیع عادلانه به این معناست که برای محروم‌ترین افراد مطلوب باشد؛ بدین‌ترتیب رفاه اجتماعی مستلزم حذف نابرابری‌های غیرعادلانه است، نه حذف صرف نابرابری.

۴. پیشینه مفهوم کمیابی از منظر اسلامی

برخی اندیشمندان مسلمان کمیابی را به منزله موضوعی مستقل مورد توجه قرار داده‌اند، اما برخی دیگر به شیوه اقتصاددانان متعارف (از قبیل رابینز) کمیابی را در تعریف اقتصاد لحاظ کرده‌اند.

چپرا در تعریف اقتصاد اسلامی می‌نویسد: «شاخه‌ای از دانش که به تحقق رفاه بشر از طریق تخصیص و توزیع منابع کمیاب، منطبق با آموزه‌های اسلام و بدون محدودیت بی‌جهت آزادی فردی یا ایجاد عدم تعادل‌های اقتصاد کلان و زیست‌محیطی کمک می‌کند».^{۱۸} وی البته در جای دیگر کارایی اقتصادی در کنار عدالت را از شرایط تحقق اقتصاد اسلامی دانسته و می‌گوید: «از آنجایی که اساساً سیستم‌های اقتصادی در مواجهه با (حل) مسئله تحقق کارایی و عدالت هستند، معقول‌ترین رویکرد اقتباس و اتخاذ نظام اقتصادی است که به تحقق هر دو (کارایی و عدالت) کمک کند».^{۱۹}

برخی نویسندگان مفهوم کارایی را با تعریفی که در اقتصاد متعارف از آن می‌شود، پذیرفته‌اند. از آنجاکه مفهوم کارایی مبتنی بر پذیرش مفهوم کمیابی است، می‌توان این دسته را نیز در زمره تأییدکنندگان مفهوم کمیابی متعارف در اقتصاد اسلامی دانست. مثلاً، دادگر^{۲۰} معتقد است ما در اقتصاد با بی‌شمار نقطه کارا مواجه هستیم و از آن میان، نقاط سازگار با اصول عدالت و مصالح عمومی را برمی‌گزینیم. از نظر وی، دیدگاه کلی اسلام از کارایی و رفاه چهارچوبی را ترسیم می‌کند که اولاً، در آن ائتلاف منابع وجود ندارد؛ ثانیاً، تولیدات مربوطه در کمترین هزینه ممکن صورت گرفته و ثالثاً، همان تولیدات بین مصارف مختلف به‌گونه‌ای توزیع شده است که مصرف‌کننده‌ها بیشترین منافع و مطلوبیت‌های ممکن را کسب کرده‌اند. از همین رو، نظام هم از لحاظ فنی کارآمد است و هم از جهت اقتصادی توجیه کافی دارد.

برخی دیگر از نویسندگان مسلمان «کمیابی» در اقتصاد اسلامی را مردود می‌دانند. البته این دسته بیشتر کمیابی مطلق را مورد توجه و قضاوت خویش قرار داده‌اند. فضیله و همکاران^{۲۱} معتقدند سیستم اقتصادی اسلامی کمبود کالا یا خدمات، به دلیل محدودیت منابع

18. Mohammad Umar Chapra, "What Is Islamic Economics?," *Islamic Development Bank Prize Winners' Lecture Series*, no. 9 (1996): 3.

۱۹. محمد عمر چپرا، *اسلام و چالش اقتصادی*، ترجمه علی اصغر هادوی‌نیا، ناصر جهانیان، احمد علی یوسفی و حسین میرمعزی (قم: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۴)، ۳۴.
۲۰. یدالله دادگر، «کنکاشی مقدماتی در: کارایی، رفاه و عدالت در اسلام و اقتصاد متعارف»، نامه مفید، شماره ۱۷ (۱۳۷۸): ۴۱-۷۲.

21. Hanif Fadhillah et al., "Concept of Scarcity in the Islamic Economic Perspective," in *Proceedings of the 2nd International Conference Postgraduate School (ICPS)* (Surabaya, Indonesia: SCITEPRESS – Science and Technology Publications, Lda, 2018).

طبیعی موجود در کره زمین را نمی‌پذیرد. خدا زمین و همه مواهب آن را برای انسان و به ازای زندگی او در جهان خلق کرده است. بنابراین، در نظام اقتصادی اسلامی، مشکل اصلی نهفته در فعالیت‌های تولیدی برای رفع کمبود کالا و خدمات نیست، بلکه مشکل اساسی در توزیع دارایی یا ثروت یا به صورت کالا یا خدمات، در میان جامعه است.

از نظر اکرم خان،^{۲۳} قرآن کفایت منابع برای مخلوقات را به انسان‌ها ابلاغ کرده است.^{۲۳} بنابراین، کمبود ممکن است به دلیل عدم استفاده مناسب از مواهب طبیعی یا توزیع نامتعادل باشد. اقتصاد اسلامی منابع را از نظر «کفایت» به جای کمبود مطالعه می‌کند. فرض ابتدایی این است که منابع زمین برای دستیابی به فلاح و سعادت «کافی» هستند. بنابراین، بروز برخی «کمبودها»، نتیجه عمل اشتباهی از انسان‌ها است و باید در جست‌وجوی راهی برای بازگشت به وضعیت طبیعی کفایت بود. به طور خلاصه وضعیت کمبود منابع ساخته دست بشر است و اقتصاد اسلامی به منظور اصلاح، آن را مطالعه می‌کند.

شهید محمدباقر صدر^{۲۴} نخستین اندیشمند اسلامی بود که کمیابی را مشکل اساسی اقتصاد اسلامی ندانست. از نظر او، آموزه‌های اسلام کمبود منابع طبیعت را مردود می‌شمارد.^{۲۵}

میرمعزی^{۲۶} میان دو مفهوم کمیابی نسبی و کمیابی مطلق تفاوت قائل شده و کمیابی مطلق را از نظر اسلام مردود دانسته است، ولی کمیابی نسبی با تفسیری که رایج‌تر داده است را از دیدگاه اسلام قابل قبول می‌داند. او کمیابی نسبی را از دو دیدگاه خرد و کلان را بررسی کرده و از دیدگاه خرد معتقد است منابعی که در هر لحظه از زمان در اختیار فرد است محدود می‌باشد. از سویی، هر فرد دارای نیازهایی است که در یک حد از اهمیت نبوده و قابل رتبه‌بندی‌اند. در شرایط مزبور، هر فرد ناچار از انتخاب و تخصیص منابع به نیازهای مهم‌تر

22. M. Akram Khan, "Islamic Economics: Nature and Need, J. Res," *Islamic Econ* 1, no. 2 (1404/1984): 51-55.

۲۳. «وَجَعَلَ فِيهَا رِوَابِي مِنْ فَوْقِهَا وَبَارَكَ فِيهَا وَقَدَّرَ فِيهَا أَقْوَاتَهَا فِي أَرْبَعَةِ أَيَّامٍ سَوَاءً لِّلسَّائِلِينَ»: «و در زمین کوه‌هایی را بر فرازش قرار داد و در آن خیر فراوان نهاد و در چهار روز رزق و روزی اهل زمین را مقدر کرد که برای تمام نیازمندان کافی است» (فصلت، آیه ۱۰).

۲۴. السيد محمدباقر الصدر، *اقتصادنا* (بیروت: دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۰۸ ه. ق.)، ۸۳۶.

۲۵. «اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ وَسَخَّرَ لَكُمْ الْفَلَكَ لِتَجْرِيَ فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ وَسَخَّرَ لَكُمْ الْأَنْهَارَ وَسَخَّرَ لَكُمْ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ دَائِبِينَ (۳۲) وَسَخَّرَ لَكُمْ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ (۳۳) وَأَنَّا كُمْ مِنْ كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ وَإِنْ تَعَدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكْفُورٌ (۳۴)» (ابراهيم، آیات ۳۲-۳۴).

۲۶. سيد حسين ميرمعزی، مجتبی غفاری، و حامد عباسی، «مفهوم کمیابی در اقتصاد سرمایه‌داری و اقتصاد اسلامی»، *معرفت اقتصادی* ۱۱، شماره ۱ (پاییز و زمستان ۱۳۹۸): ۱۵۱-۱۶۴.

است. این فرآیند که «تخصیص بهینه منابع» نام دارد در قرآن کریم تحت عنوان «قوام» و در مقابل اسراف و تقتیر آمده است.^{۲۷}

او مدعی است که منظور از انفاق در این آیه بخشش نیست، بلکه هزینه کرد است. خداوند در این آیه، یکی از صفات عباد الرحمن را قوام و اعتدال در هزینه کرد نام می برد که مفهومی نزدیک به تخصیص بهینه منابع است.

همچنین، این مفهوم را می توان از دیدگاه کلان و با نظر به منابعی که در یک مکان و زمان معین در اختیار یک جامعه قرار دارد، صادق دانست. در این حالت منابع موجود محدود، اما اهداف متعدد و با درجه اهمیت متفاوت هستند. در نتیجه، تخصیص بهینه منابع، امری عقلانی است.

وی در عین حال معتقد است سه تفاوت اساسی بین دیدگاه اسلام و اقتصاد متعارف وجود دارد؛ عدم انحصار مشکل به کمیابی و وجود مشکل عدالت و چگونگی توزیع منابع بین افراد در اقتصاد اسلامی مورد توجه است. از سویی نیاز در اسلام بر پایه اصالت لذت و پاسخ به امیال انسان مبتنی نیست.

وی در اشاره تفاوت های مفهوم بهینه و نیاز در نظام ارزشی اقتصاد اسلامی و اقتصاد متعارف به نظر می رسد گام درستی در ترسیم ابعاد مفهوم کمیابی از دیدگاه اسلامی برداشته است؛ اما در نهایت مفهوم کمیابی نسبی با ملاحظات مذکور پذیرفته است و این به معنای پذیرفتن نامکفی بودن منابع در کمیابی نسبی است. نوآوری این مقاله با مطالعات پیشین از جمله مقاله میرمعزی در این است که با تأکید بیشتر بر تمایزات اساسی میان انسان شناسی و جهان شناسی اقتصاد اسلامی از اقتصاد متعارف، ترسیم دقیق تری از مفهوم کمیابی در اسلام در دو قسم کمیابی نسبی و کمیابی مطلق ارائه کرده و مفهوم کمیابی نسبی در اقتصاد متعارف را در اقتصاد اسلامی نمی پذیرد؛ بدین ترتیب برخلاف مقاله مزبور، شناخت مشکل اساسی اقتصاد اسلامی و ارائه راه حل در مورد آن، در پارادایمی متفاوت از اقتصاد متعارف دنبال می شود. در نتیجه با ترسیم دقیق تر ابعاد مفهوم کمیابی در پارادایم اسلامی، مفهوم نبود عدالت (ظلم) به مثابه مشکلی در عرض مشکل کمیابی قرار نمی گیرد. به عبارت دیگر، کمیابی و «نبود عدالت» دو مشکل هم عرض در اقتصاد اسلام نیست، بلکه «نبود عدالت» یا ظلم قابلیت آن را پیدا می کند که به تنهایی مشکل اساسی اقتصاد تلقی گردد.

۲۷. «الَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يَسْرِفُوا وَ لَمْ يَقْتُرُوا وَ كَانِ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا»؛ «و کسانی که هرگاه انفاق کنند، نه اسراف می نمایند و نه سخت گیری، بلکه در میان این دو، حد اعتدالی دارند» (فرقان، آیه ۶۷).

۵. کمیابی در دیدگاه اقتصادی اسلام

از مطالبی که در مورد پیدایش و شکل‌گیری ایده کمیابی در اقتصاد مغرب زمین گذشت معلوم شد که این ایده بر پایه رویکرد مدرنیسم به انسان و جهان شکل گرفته است. برای دریافت دیدگاه اسلام در این مورد، ناچار باید به مبانی جهان‌شناختی و انسان‌شناختی اسلام مراجعه و بر آن اساس موضوع کمیابی را تحت مذاقه قرار داد، اما پیش از آن، نظرات برخی نویسندگان مسلمان در این مورد را ملاحظه و پس از آن مبانی مرتبط با کمیابی در اسلام را بررسی می‌کنیم.

۵-۱. رفاه و سعادت و چگونگی درک آن

در دیدگاه کلاسیکی که بنام و اسمیت ارائه داده‌اند رفاه مترادف با مطلوبیت است^{۲۸}. از سویی کارایی که بر پایه ایده کمیابی است در راستای حداکثرسازی مطلوبیت مطرح شده است. در نتیجه از طریق حداکثرسازی مطلوبیت، رفاه نیز بیشینه می‌شود.

رفاه و سعادت از جمله امور مرتبط با درک درونی و باطنی است؛ اما درک درونی انسان با موقعیت و شرایط زیست انسان پیوند دارد. این درک به مواهبی که از آن بهره‌مند است، موقعیت فرد نسبت به دیگران و همچنین شرایط عینی وابسته است. در حقیقت ذهنیت انسان بر اساس دو پایه شکل می‌گیرد. نخست: امور عینی و آنچه در واقعیت جریان دارد. دوم: تلقی‌های فرد از امور واقعی که این تلقی‌ها به ارزش‌هایی که مبنای قضاوت فرد است و همچنین توانایی‌های روحی و ذهنی فرد وابسته می‌باشد. از این رو، رفاه و سعادت انسان دارای این دو وجه، دریافت باطنی و شرایط عینی است.

از منظر اسلام که هدف از خلقت انسان، سعادت او در دنیا و آخرت دانسته می‌شود این نکته مورد تأکید است که اگرچه خداوند مواهب دنیا را برای بهره‌مندی انسان‌ها خلق کرده،^{۲۹} انسان نباید فریب برخی از ظواهر را بخورد^{۳۰} و در ارزیابی مواهب جهان، واقع را آنچنان که هست ملاحظه کرده و برای تأمین آسایش خود در این جهان و فراهم نمودن اسباب سعادت در آخرت (فوز) بکوشد.^{۳۱} سعادت ابدی (فوز) محصول اعمال شایسته‌ای است که محدود به زمان و مکان یا جامعه معینی نبوده و در مورد همه مؤمنین صادق است.^{۳۲}

۲۸. تونی فیتز پتریک، نظریه رفاه. ترجمه هرمز همایون‌پور (تهران: مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی گام نو، ۱۳۸۱) ۳۱-۳۲.

۲۹. «قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلذَّيْنِ أَمْثَلُ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا» (اعراف، آیه ۳۲).

۳۰. «يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِّنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ» (روم، آیه ۷).

۳۱. «لَهُمُ الْبُشْرَىٰ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ لَا يَبْدِيلُ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ ذَلِكُ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ»؛ «در زندگی دنیا و آخرت مزه الهی برای آنان است [در دنیا به وسیله وحی و در آخرت با خطاب خداوند و فرشتگان]، در بشارت‌ها و وعده‌های خداوند هیچ تغییری راه ندارد، این است کامیابی بزرگ» (یونس، آیه ۶۴).

۳۲. «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْكَبِيرُ»؛ «بی‌تردید مؤمنانی که کارهای

اعتقاد به عالم ملک و ملکوت در نگرش اسلامی متضمن این است که همه انواع لذت، لذت حقیقی تلقی نشود. لذت‌ها بر اساس خصوصیات و نتایجی که با خود دارند ارزیابی می‌شوند و در نتیجه برخی از لذت‌های این جهانی به این دلیل که عذاب اخروی را به دنبال دارند، لذت ظاهری و الم و رنج واقعی دانسته شده‌اند^{۳۳} و به حکم عقل نباید دنبال شوند. در رویکرد مطلوبیت‌گرای اقتصاد متعارف، رفاه امری ذهنی بوده و مبتنی بر درک و دریافت هر فرد دانسته و رتبه‌بندی می‌شود و گفته می‌شود افراد را باید آزاد تا گذاشت تا هرکس بر پایه این دریافت مطلوبیت خود را حداکثر کند.

در رویکرد اسلامی لذات (دنیوی و اخروی) هرچند از طریق درک درونی انسان شکل می‌گیرند، اما نخست آنکه امور واقعی موجد آن هستند و دوم آنکه رتبه‌بندی آن نه بر اساس مرجعیت منحصره انسان، بلکه با مدد از مرجعی که بر دنیا و آخرت احاطه دارد، یعنی خداوند یکتا، صورت می‌پذیرد. در این صورت انتظار این است که یک فرد معتقد به سرای دیگر رتبه‌بندی ترجیحاتش نیز متأثر از آن اعتقاد باشد. در نتیجه رفاه و سعادت انسان مبتنی بر اموری عینی و واقعی است. نتیجه دیگری که از لحاظ سرای آخرت در تحقق حقیقت سعادت حاصل می‌شود عام و جهان‌شمول بودن معنای سعادت و رفاه است. اگرچه نباید از برخی تفاوت‌های فردی در درک و شهود لذت و رضای خاطر گذشت، در هر حال مفهوم رضایت‌خاطری که با کمال انسان و کسب فضائل حاصل می‌شود به‌منزله یک امر مطلوب، عام و جهان‌شمول است. در نتیجه مفهوم سعادت و رفاه در اندیشه اسلامی از قابلیت مقایسه نیز برخوردار است.

۲-۵. رابطه سعادت و نیاز

عامل دیگری که بر رویکرد نظام‌های اجتماعی و اقتصادی به مفهوم کمیابی مؤثر است، رابطه میان هدف فعالیت‌های انسان و شیوه تأمین آن یا به عبارت دیگر رابطه میان سعادت و نیاز است.

جهان در نگرش اسلامی نه خودبه‌خود خلق شده و نه بی‌هدف و مهمل به وجود آمده است؛ بلکه خلقت آن براساس حق می‌باشد.^{۳۴} جهان آفرینش دارای حرکت و جهت بوده

شایسته انجام داده‌اند، برای آنان بهشت‌هایی است که از زیر [درختان] آن نهرها جاری است، این است کامیابی بزرگ» (بروج، آیه ۱۱).

۳۳. «إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَىٰ ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَسَيَصْلَوْنَ سَعِيرًا»؛ «آنان که اموال یتیمان را به ستمگری می‌خورند، در حقیقت آنها در شکم خود آتش جهنم فرو می‌برند و به‌زودی در آتش فروزان خواهند افتاد» (نساء، آیه ۱۰).

۳۴. «وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لَاعِيبِينَ (۳۸) مَا خَلَقْنَاهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ» (دخان، آیات ۳۸ و ۳۹).

به‌سوی خدا در حرکت است.^{۳۵} در این اندیشه، جهان آفرینش و انسان هدفمند و برای نیل به کمال خلق شده‌اند. چنین اعتقادی متضمن آن است که اسباب و لوازم دستیابی به هدف از سوی خالق حکیم در نظام آفرینش تعبیه شده است. در این صورت، «نیاز» در منظومه هدفمندی جهان و حرکت به‌سوی کمال بازتعریف می‌شود. تعریف نیاز و ارضای آن در راستای دستیابی انسان به کمال و سعادت متناسب با آن جنبه از انسان که الهی و نه زمینی و ناسوتی است، صورت می‌گیرد.

بنابراین، صرف وجود نیاز مستلزم امکان تأمین آن است؛ وگرنه با حکمت و توانایی خالق حکیم و توانا سازگار نیست که نیازی که زمینه‌ساز تکامل و نیل به سعادت است، بی‌پاسخ بماند. از همین رو، در اندیشه اسلامی، کمیابی منابع برای تأمین نیازهایی که در راستای کمال انسان هستند با نظام آفرینش سازگار نبوده و چنین مفهومی انکار می‌شود.

اکنون انتظار این است که اختلاف در هدفمندی انسان و مفهوم سعادت و رفاه و در نتیجه اهداف نظام‌ها، به اختلاف در شناسایی مشکل و راه‌حل‌های متفاوت بینجامد.

بدین ترتیب بسیاری از اقتصاددانان مسلمان مشکل اساسی اقتصاد اسلامی را کمیابی ندانسته و مفهوم دیگری را به‌مثابه مشکل و مسئله اقتصاد اسلامی شناسایی و معرفی کرده‌اند.

بدین ترتیب نکته مهم این است که در صورت تعریف کمیابی براساس نوع نیاز، آیا میان کمیابی نسبی و مطلق تفاوتی وجود دارد؟

در کمیابی نسبی محور مهم امکان انتخاب است؛ یعنی گفته می‌شود هر جا انتخاب باشد لامحاله کمیابی نسبی هم هست. فرد ناچار به انتخاب یک مورد و رها کردن سایر موارد برای رسیدن به بهترین وضعیت است. در چهارچوب فکری اقتصاد متعارف، انسان هیچگاه کاملاً اشباع نمی‌شود و حتی اگر در بهشت باشد نیازمند انتخاب است.

اما در دیدگاه اسلامی مفهوم نیاز بر اساس تمایلات اشباع‌ناپذیر انسان تعریف نشده و بر اساس نیل به کمالات معرفی می‌گردد و به دلیل اینکه حصول به کمال ممکن است، تأمین نیازها هم ممکن است. در این تصویر می‌توان با تخصیص صحیح منابع، به همه نیازها پاسخ داد و هیچ نیازی را بی‌پاسخ نگذاشت. معنای دیگر این سخن این است که منابع کافی برای پاسخ به نیازهای انسان در طبیعت وجود دارد و بنابراین موضوع مهم، انتخابی است که به تخصیص صحیح منابع منتهی می‌شود. در این صورت قضاوت در مورد کمیابی نسبی در

۳۵. «أَلَا إِلَى اللَّهِ تَصِيرُ الْأُمُورُ» (شوری، آیه ۵۳).

اقتصاد اسلامی در راستای پاسخ به این پرسش است که آیا منابع، در صورت انتخاب صحیح، برای نیازهای انسان در دیدگاه اسلامی از آنجا که نیازها در راستای تحقق کمال و سعادت انسان شکل گرفته‌اند، منابع تأمین نیازها نیز تدارک دیده شده و تمامی نیازهای انسان را می‌توان پاسخ داد. در این صورت، کمیابی (مطلق و نسبی) وجود ندارد پس نمی‌تواند مشکل اساسی اقتصاد تلقی شود.

بنابراین، اگر منظور از کمیابی، انتخاب از میان سبدهای گوناگون منابع مورد استفاده است، بدون تردید چنین انتخابی در اقتصاد اسلامی هم وجود دارد. در واقع ممکن است با استفاده ناصحیح از منابع، نیازها به درستی تأمین نشوند؛ اما اگر استفاده صحیح از منابع صورت گیرد تمامی نیازها قابل تأمین هستند. چنین رویکردی به مفهوم انتخاب را می‌توان در معنای شکر دریافت کرد؛ در نتیجه کمیابی در اسلام به معنای استفاده صحیح و به‌جا از منابع به‌منظور تأمین نیازهایی که برای نیل به سعادت و کمال لازم‌اند، می‌باشد. این تعریف از کمیابی اساساً متفاوت از معنای کمیابی در اقتصاد متعارف است.

۴-۵. سعادت انسان و حیات اجتماعی

هنگامی که کمال انسان به‌مثابه سعادت و هدف غایی فعالیت‌های انسان در نظر گرفته شد، تمامی ابعادی که تکامل انسان در آن ابعاد صورت می‌گیرد باید مورد ملاحظه قرار گیرد. در این صورت و با توجه به اینکه از منظر اسلام، انسان موجودی اجتماعی است و زندگی در اجتماع زمینه‌ساز ارتقای روحی انسان است و در حقیقت برخی از نیازهای انسان از طریق زندگی اجتماعی تأمین می‌گردد، تفاوت مهم دیگری میان نیاز و امیال رقم می‌خورد. امیال وابسته به فرد است، ولی نیاز می‌تواند وابسته به جامعه هم باشد. این نکته حائز اهمیت زیادی است و شرایط زیست اجتماعی انسان را وارد حوزه قضاوت در مورد نیازهای انسان می‌کند. در واقع برخی نیازها در شرایط اجتماعی خاصی تأمین می‌گردد و با نبود شرایط مزبور، آن نیاز نیز تأمین نشده و در نتیجه تکامل و سعادت تام و تمام انسان تحقق نمی‌یابد.

انتقاد به رویکرد اقتصاد متعارف، اختصاص به اندیشه اسلامی ندارد. جامعه‌شناسان پارسونی نیز مدعی این هستند که نظریه فعالیت فرد عقلانی در بستر کمیابی به دلیل اینکه نمی‌تواند نظم اجتماعی را تبیین کند، قادر به تولید نظریه قانع‌کننده‌ای برای جامعه نیست. اگر عقل‌گرایی اقتصادی تنها یا اصلی‌ترین راهنمای عمل است، همکاری و همبستگی چگونه وجود دارد؟ اقتصاد متعارف با ابداع توضیحی که می‌تواند از مفروضات اساسی خردگرایانه آنها - مانند دست پنهان - ناشی شود، مسئله را به‌صورت مصنوعی حل کرد. پارسونز با این

ادعا که انسان بودن بدون از بین بردن جامعه می‌تواند مورد ملاحظه قرار گیرد و در صورت وجود ارزش‌ها و هنجارهای مشترک، مشکل نظم را می‌توان حل کرد، معتقد بود راه‌حل نظم اقتصادی و اجتماعی، نه در روان‌شناسی انسان اقتصادی که در فرهنگ و نهادها یافت می‌شود. بازیگران اجتماعی وقتی به اقدامات اجتماعی خود پاداش داده می‌شوند در یک سیستم مشترک ارزش‌ها قرار می‌گیرند.^{۳۶}

در این صورت نیاز از موضوعی فردی به موضوعی گسترده‌تر تبدیل شده و بسیاری از حالات اجتماعی را نیز شامل می‌شود. این گسترش متضمن این است که علاوه بر اینکه ملاحظات ابعاد دیگر دوستی بخشی از نیازهای انسان را تشکیل می‌دهد، وضعیت مقایسه‌ای افراد نیز در احساس رضایت و کرامت انسان تأثیر دارد.

تفاوت‌های میان خواسته و نیاز را می‌توان در جدول زیر خلاصه نمود.

جدول شماره ۱

نیاز	خواسته	
تأمین نشدن نیاز، رضایت را از بین می‌برد.	تأمین خواسته، رضایت فرد را افزایش می‌دهد.	رضایتمندی
نیازها نامحدود نیستند.	خواسته‌ها نامحدودند.	محدودیت
تأمین تمام نیازها ممکن است.	تأمین تمام خواسته‌ها ممکن نیست.	تأمین کامل
نیاز مشترک میان افراد جامعه است.	خواسته‌ها ممکن شخصی و غیرمشترک باشند و ممکن است مشترک باشند.	فردی / اجتماعی
نیاز امری عینی است.	خواسته امری ذهنی است.	ذهنی / عینی

منبع: یافته‌های تحقیق

تعریف نیازها براساس غایتمندی حیات انسان و گسترش آن به حوزه حیات اجتماعی، بازتعریف مشکل اساسی اقتصاد را ضروری می‌سازد. در صورتی که منابع موجود در آفرینش برای تأمین نیازهای انسان کافی است، با توجه به بعد اجتماعی زندگی انسان و اینکه همه باید بتوانند نیازهای خود را تأمین کنند، این پرسش مطرح می‌شود که چه چیز یا چیزهایی ممکن است سبب انتخاب ناصحیح و مانع از تأمین نیاز شود؟

36. Bryan S. Turner and Chris Rojek, *SOCIETY AND CULTURE: Principles of Scarcity and Solidarity* (London: Publications Ltd, 2001), 8.

۵-۵. شکر به مثابه انتخاب صحیح

در آموزه‌های اسلامی مفهومی وجود دارد که از انسان‌ها خواسته می‌شود از نعمت‌های الهی استفاده بهینه شده و از هدر دادن و استفاده ناصحیح اجتناب شود. در این صورت شکر آن نعمت به جا آورده شده است. شکر در فرهنگ اسلامی به معنای این است که نعمت‌های الهی و به تعبیر اقتصادی منابع تولید کالاها و خدمات، در راهی که به خاطر آن آفریده شده‌اند مورد استفاده قرار گیرند و در راه‌های دیگر استفاده نشده^{۳۷} یا عاقل نمانده و اتلاف نشوند.

به عبارت دیگر، منابع برای تأمین نیازهای واقعی انسان‌ها به کار برده شوند. بنابراین آموزه شکر به ما می‌گوید که در استفاده از منابع و نعمت‌های الهی باید انتخاب صورت گرفته برای تأمین نیازهای واقعی انسان‌ها باشد.

براساس این، در تعریف کمیابی نسبی در دیدگاه اسلامی، استفاده‌ای از منابع موجود مطلوب است که در راستای نیل آحاد جامعه به کمال باشد و جایگزینی منابع باید در راستای این هدف ملاحظه گردد.

چنین ملاحظه‌ای نشان می‌دهد که مفهوم کمیابی نسبی در اقتصاد اسلامی به‌طور اساسی با کمیابی نسبی در اقتصاد متعارف، متفاوت بوده و اگر شباهتی وجود داشته باشد تنها در اسم بوده و به همین جهت می‌توان گفت که مفهوم کمیابی نسبی در اقتصاد اسلامی و اقتصاد متعارف حداکثر دارای اشتراک لفظی است.

۶. مشکل اساسی در اقتصاد اسلامی

در رویکرد اسلامی، آنچنان که شهید صدر بیان می‌کند، در کمبود منابع (کمیابی مطلق) نیست؛ بلکه این مشکل در این نکته نهفته است که نیازهای واقعی انسان‌ها یا برخی آنها تأمین نشود. این مشکل هنگامی بروز می‌کند که انسان‌ها از توجه به نیازهای واقعی رویگردان شده و خواسته‌ها و امیال درونی خویش را دنبال کنند؛ در این صورت است که برخی با افراط در پی جویی امیال و خواسته‌ها به هزینه محرومیت برخی دیگر از نیازهای معقول خواهند بود. در چنین حالتی هر دو طرف، محروم و مستغنی، از حرکت تکاملی محروم می‌مانند. انسان منابعی را که خداوند برای رفع نیازهای حقیقی‌اش در اختیار او قرار داده با ظلم و جور و کفران ضایع کرده است. ظلم انسان در زمینه اقتصاد در توزیع‌های نادرست و کفران نعمت در اینکه در عمران و آبادی طبیعت اِههال کرده و منابع به‌درستی مورد استفاده قرار نگیرند،

۳۷. مرتضی مطهری، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، جلد ۲۶ (تهران: صدرا، ۱۳۹۱)، ۳۶۳.

تجلی پیدا می‌کند.^{۳۸} از این روست که مشکل اساسی در اقتصاد اسلامی در عدم تحقق عدالت اجتماعی و اقتصادی ظهور پیدا می‌کند.

در نظر شهید صدر، اسلام در حالی که در ارتباطات اجتماعی ظلم در توزیع را از بین می‌برد و ظرفیت‌های انسان را برای استفاده از طبیعت و آبادسازی آن مهیا می‌سازد، مشکل حقیقی در حوزه اقتصاد را از بین می‌برد. اسلام محو ظلم را از طریق آنچه در مسائل توزیع و تداول ثروت ارائه کرده است مدیریت می‌کند و کفران در نعمت را از طریق مفاهیم و احکامی که در مورد تولید وضع کرده است مرتفع می‌سازد.^{۳۹}

بدین ترتیب این دو موضوع، محو ظلم در توزیع و استفاده صحیح از منابع، در یک راستا مورد توجه هستند. در حقیقت استفاده صحیح از منابع علاوه بر اینکه حاوی معنای عدم اتلاف یا اهمال منابع است، مشتمل بر معنای استفاده در جهت برقراری عدالت هم هست. بنابراین، استفاده از منابع تنها بر اساس دستیابی به عدالت استفاده صحیح از منابع تلقی می‌شود و هر گونه تخصیص منابع بدون در نظر گرفتن توزیع عادلانه، کفران نعمت الهی است.

۷. نتیجه‌گیری و پیشنهادات

کمیابی از مفاهیم اساسی نظام‌های اقتصادی و اجتماعی است و شالوده اصلی مفهوم کارایی را تشکیل می‌دهد. جوامع مدرن بر پایه مفهوم کارایی ترتیبات اجتماعی و سازمان اقتصادی خویش را بنیان نهاده‌اند. امروزه اگرچه مفهوم کمیابی نسبی در ادبیات علوم اجتماعی غرب مفهوم اصلی مورد توجه است، کمیابی نخست بر پایه مفهوم کمیابی مطلق مطرح گردید. در حالی که کمیابی مطلق به کمیابی منابع به‌طور عمومی اشاره داشته و بر حرکت بیش‌از‌پیش به ظرفیت زیست کره زمین همراه با رشد جمعیت و مصرف سرمایه سرانه تأکید دارد، کمیابی نسبی بر جایگزینی منابع برای نیل به بهترین نتایج تمرکز می‌کند. کمیابی نسبی زمین بازی را از امکانات زیستی و نیازهای انسان به ترجیحات و خواسته‌های فردی و انتخاب‌های فرد تغییر داد. در کمیابی نسبی بهترین پاسخ به خواسته‌های نامتناهی انسان باید از طریق انتخاب و جایگزینی منابع صورت گیرد.

۳۸. «اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ وَسَخَّرَ لَكُمُ الْفُلُوكَ لِتَجْرِيَ فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ وَسَخَّرَ لَكُمُ الْأَنْهَارَ وَسَخَّرَ لَكُمُ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ دَائِبِينَ وَسَخَّرَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَأَنَا كُمْ مِنْ كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ وَإِنْ تَعَدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَفَّارٌ». (ابراهیم، آیه ۳۲).

۳۹. الصدر، اقتصادنا، ۳۳۰-۳۳۱.

در نگرش اسلامی از سویی نیازهای واقعی برای نیل به سعادت و رفاه و رستگاری انسان جایگزین خواسته‌ها و تمایلات درونی انسان قرار می‌گیرد و از سویی بر اساس غایت‌مندی جهان آفرینش و حکمت الهی کمبود منابع برای پاسخ به نیازهای واقعی انسان انکار می‌گردد. در نتیجه منابع طبیعت دچار کمبود نبوده و کمیابی مطلق وجود ندارد. در مورد موضوع مهم کمیابی نسبی که با موضوع انتخاب و جایگزینی مشخص می‌شود باید گفت اگرچه در نگرش اسلامی نیز عنصر انتخاب وجود دارد، موضوع آن به‌طور کلی با موضوع انتخاب در اقتصاد متعارف متفاوت است. درحالی‌که در اقتصاد متعارف، هدف از انتخاب نیل به بیشترین مطلوبیتی است که در چهارچوب انسان عقلایی تعریف می‌شود، هدف انتخاب در نگرش اسلامی نیل به بیشترین مراتب کمال است. کمیابی در اقتصاد اسلامی به معنای نامکفی بودن نیست، بلکه با توجه به اینکه منابع کافی برای تأمین نیازهای انسان‌ها کافی هستند، کمیابی (نسبی) به معنای بهترین انتخاب است برای اینکه منابع به گونه‌ای تخصیص داده شوند که نیازهای همه انسان‌ها تأمین شود.

در بینش اسلامی، بر اساس آموزه‌های غایت‌مند جهان و انسان و همچنین مفهوم شکر، استفاده صحیح از منابع باید متناسب با فلسفه آفرینش آن منابع بوده باشد و انتخاب‌ها برای استفاده و بهره‌برداری صحیح از منابع صورت گیرد و از اسراف و هدر دادن آن اجتناب شود. تعریف کمیابی نسبی در دیدگاه اسلامی نیز با عنایت به اینکه استفاده‌ای از منابع موجود مطلوب است که در راستای نیل آحاد جامعه به کمال صورت می‌گیرد و جایگزینی منابع باید در راستای این هدف باشد.

این امر زمینه‌ساز استفاده بهینه از منابع در راستای تأمین نیازهای واقعی همه انسان‌ها و البته تحقق عدالت اجتماعی خواهد بود. در نتیجه قابل تصور است که در حالاتی تولید یا مصرف کالا و خدمتی در بینش اقتصاد متعارف کارا تلقی گردد، درحالی‌که در بینش اقتصادی اسلام ناکارا دانسته شود.

علاوه بر این، در نگرش اسلامی مشکل اساسی در روابط اقتصادی و اجتماعی هنگامی بروز می‌کند که تخصیص امکانات و توزیع مواهب قادر به تأمین نیازهای واقعی انسان‌ها نباشد. از همین‌رو، در نگرش اسلامی، ساختارها و ترتیبات اجتماعی باید معطوف به توزیع منابع و امکانات در میان آحاد جامعه باشد. شاید از همین‌رو است که عدالت، سنگ بنای ساختارهای اجتماعی در اسلام شمرده شده است.

سیاهه منابع

الف- منابع فارسی:

قرآن کریم

چیرا، محمد عمر. *اسلام و چالش اقتصادی*. ترجمه علی اصغر هادوی نیا، ناصر جهانیان، احمد علی یوسفی و حسین میرمعزی. قم: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۴. دادگر، یدالله. «کنکاشی مقدماتی در: کارآیی، رفاه و عدالت در اسلام و اقتصاد متعارف»، *نامه مفید*، شماره ۱۷ (۱۳۷۸): ۴۱-۷۲.

دریابندری، نجف. *درد بی خویشستی*. تهران: نشر پرواز، ۱۳۶۵.

فیتز پتریک، تونی. *نظریه رفاه*. ترجمه هرمز همایون پور. تهران: مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی گام نو، ۱۳۸۱.

مطهری، مرتضی. *مجموعه آثار استاد شهید مطهری*. جلد ۲۶، تهران: صدرا، ۱۳۹۱.

معینی، جهانگیر. *روش‌شناسی نظریه‌های جدید در سیاست*. تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۵.

میرمعزی، سید حسین، مجتبی غفاری، و حامد عباسی. «مفهوم کمیابی در اقتصاد سرمایه‌داری و اقتصاد اسلامی»، *معرفت اقتصادی* ۱۱، شماره ۱ (پاییز و زمستان ۱۳۹۸): ۱۵۱-۱۶۴. هیرشمن، آلبرت. *هواهای نفسانی و منافع: استدلال‌های سیاسی به طرفداری از سرمایه‌داری پیش از اوج‌گیری*. ترجمه محمد مالجو. تهران: نشر و پژوهش شیرازه، ۱۳۷۹.

ب- منابع عربی:

الصدر، السید محمد باقر. *اقتصادنا*. بیروت: دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۰۸.

ج- منابع لاتین:

- Akram Khan, M. "Islamic Economics: Nature and Need, J. Res." *Islamic Econ* 1, no. 2 (1404/1984): 51-55.
- Buchanan, Allen. *Ethics, efficiency and the Market*. Oxford: Clarendon Press, 1985.
- Chapra, Mohammad Umar. "What Is Islamic Economics?." *Islamic Development Bank Prize Winners' Lecture Series*, no. 9 (1996).
- Daly, Herman E. *Steady Freeman.-State Economics: The Economics of Biophysical Equilibrium and Moral Growth*. San Francisco: Calif: Freeman, 1977.
- Daoud, Adel. *Robbins versus Malthus' view of scarcity: absolute and relative scarcity*. Gothenburg: Department of Sociology, Gothenburg University, 2009.
- Fadhillah, Hanif, Muhammad Nafik, Ririn Ratnasari, Tika Widiastuti, and Sri Herianingrum. "Concept of Scarcity in the Islamic Economic Perspective." In *Proceedings of the 2nd International Conference Postgraduate School (ICPS)*,

- 93-96. Surabaya, Indonesia: SCITEPRESS – Science and Technology Publications, Lda, 2018.
- Gordon, Scott. “The Economics of the Afterlife.” *The Journal of Political Economy* 88, no. 1(1980): 213-214.
- Jonsson, F.A. *Scarcity in the Modern World: History, Politics, Society and Sustainability, 1800–2075*. Bloombury: Bloombury Academic and the Diana logo are trademarks of Bloomsbury Publishing Plc, 2019.
- Robbins, Lionel. *An Essay on the Nature and Significance of Economic Science*. 3th edition. London: Macmillan, 1984.
- Rowls, John. *A Theory of Justice*. Cambridge: Cambridge University Press, 1971.
- Samuelson, Paul A., and William D. Nordhaus. *Economics*. 19th edition. New York: McGraw-Hill, 2010.
- Turner, Bryan S., and Chris Rojek. *SOCIETY AND CULTURE: Principles of Scarcity and Solidarity*. London: Publications Ltd, 2001.